

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

ملک شناخت حیوان حرام گوشت و حلال گوشت

(س) ملک شناخت حیوان حرام گوشت و حلال گوشت چیست و چگونه می توان تشخیص داد؟
(ج) به‌طور کلی حیوانات حرام گوشت بر چند قسم هستند:
الف) حیوانات دریایی: از میان حیوانات دریایی فقط ماهی دارای فلس (پولک) حلال بوده و سایر ماهیان و حیوانات دریایی حرام گوشت هستند.
ب) حیوانات خشکی دو قسم هستند:
۱. **حیوانات اهلی**: خوردن گوشت تمام گونه‌های گوسفند، گاو و شتر حلال است، اما خوردن گوشت اسب و استر و الاغ مکروه است که کراهت گوشت اسب از بقیه کمتر است، ولی خوردن گوشت سایر حیوانات اهلی مثل سگ و گرگ حرام است.
۲. **حیوانات وحشی**: از میان آنها آهو، گاو، بز کوهی، الاغ وحشی و گوزن حلال است و خوردن گوشت حیوانات درنده حرام است و آن حیوانی است که خوی درندگی دارد و دارای ناخن و دندان نیش قوی است؛ مثل شیر، پلنگ، یوزپلنگ، گرگ و یا دارای نیش صغیفی است؛ مثل روباه، کفتار، شغال، و همچنین خر گوش – اگرچه از درندگان نیست – و نیز همه حشرات و خزندگان؛ مثل مار، موش، سوسمار، قورباغه، خارشنت، سوسک و… که قابل شمارش نیست و نیز حیواناتی که مسخ شده‌اند؛ مثل فیل، میمون، خرس و…
جرامند.

گوشت‌های چرخ کرده شسته نشده

(س)گوشت‌های چرخ‌شده که معمولاً پیش از چرخ کردن گوشت، شسته نمی‌شود، چه حکمی دارد؟ تقریباً همه کباب‌ها، رستوران‌ها، مردم و… در شهرها از این گوشت‌ها استفاده می‌کنند.
(ج) استفاده از گوشت‌های چرخ‌شده مذکور و فرآورده‌های آن، مادملی که یقین به سرایت نجاست به آن ندارند یا منابع است و بررسی هم لازم نیست.

رگ‌های حرام جانوران حلال در سوسیس و کالباس

(س) تعدادی از فقها می‌گویند در سوسیس و کالباس از رگ‌های حرام جانوران حلال استفاده می‌شود. با توجه به این مسئله، خوردن سوسیس و کالباس حکمش چیست؟

(ج) به‌طور کلی در بازار مسلمانان از زمانی که استفاده از اجزای حرام در تهیه مواد غذایی، احراز نشود، خوردن آن اشکالی ندارد.

آب و غذا خوردن با سبیل بلند

(س) اگر سبیل انسان بلند باشد و موقع آب خوردن مانع شود، مشکلی پیش می‌آید یا اشکالی ندارد؟

(ج) بلند گذاشتن آن به مقداری که هنگام خوردن و آشامیدن با غذا یا آب برخورد کند، مکروه است.

جوشاندن آبغوره

(س) اگر در غذا (مثلاً به اندازه یک مشت) دانه‌های غوره ریخته شود و به مدت چند ساعت روی حرارت بجوشد، آیا از نظر شرعی مشکلی دارد؟
(ج) جوش آمدن غوره یا آبغوره اشکال ندارد و پاک می‌باشد و خوردن آن نیز حلال است.

خوردن گردن مرغ

(س) خوردن گردن مرغ و رگ داخلی‌اش اشکال دارد؟

(ج) خوردن گردن مرغ اشکال ندارد، بله خوردن «خناج» که رشته سفیدی است که در وسط گردن و کمر و «پی» که در دوطرف تیره پشت می‌باشد، در مرغ و سایر پرندگان، بنابر احتیاط واجب حرام است.

تن‌پروری و نفس‌پروری

پرورش جسم در حدود پرورش علمی، بهداشت، سلامت و تقویت جسم که جسم نیرو بگیرد، یک کمال است؛ ما دایم همه کسانی که از قبل بدن نیرومند بوده‌اند، این نیرومندی برایشان کمال شمرده شده است، مثلاًالمیرالمؤمنین نیرومند بوده و نیروی بدنی داشته است و این جزء کلمات آن حضرت است…

ممکن است بگویند اگر اسلام طرفدار رشد جسم است، پس چرا این قدر می‌گویند «تن‌پروری»؟بد است. تن‌پروری‌ای که بد است غیر از پرورش تن یک معنی بهداشت(و ورزش) است. آن تن‌پروری در واقع نفس‌پروری است که اغلب بر ضد بهداشت جسم و پرورش جسم – به این معنا که تقهیم – می‌باشد. آن تن‌پروری که بد است، معنی‌اش این است که انسان نفس‌پر شهوت‌ران باشد، یعنی همیشه دنبال تمایلات نفسانی باشد و ربطی به مسئله رشد جسم ندارد و اتفاقاً قضیه درست برعکس است، یعنی اگر انسان زیاد دنبال پرورش تن به معنی نفس‌پروری برود، به جسمش زیان می‌رساند. آدم نفس‌پرور فقط درباره کشش فکر می‌کند که لذت شکم را هرچه بیشتر بداند و شک ندارد که کسی که می‌خواهد جشمش را سالم نگهدارد، نمی‌تواند اینجور باشد بلکه باید از شکم‌پرستی مبارزه کند؛ یک آدم تنبیل و تن‌پرور دنبال لذت‌های دیگر است. ثبث تا صبح نمی‌خوابد، برای اینکه در فلان مجلس عیش شرکت کند پدر جسم و اعصاب خودش را ترمی آورد این تن‌پروری به معنی نفس‌پروری است و بر ضد پرورش جسم به معنی بهداشت جسمی می‌باشد.

استاد شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۲۷۰ و ۲۶۹

شبهه: آیا گنبد و بارگاه ساختن، حرم و ضریح درست کردن، طلاکاری‌ها و… بدعت نیست؟
هزینه‌های سنگین برای حرم‌ها و ضریحی که نیازهای شدید معیشتی به مردم تحمیل آورده است، چه توجیهی دارد؟
پاسخ: پرسش از «بدعت بودن» ساخت گنبد و بارگاه، ضریح و طلاکاری حرم‌ها – به‌ویژه در شرایطی که جامعه با فشارهای معیشتی روبه‌روست – پرسشی جدی و قابل تأمل است. این سؤال، در واقع دو لایه دارد:
لایه نخست، فقهی و دینی است و می‌پرسد آیا این اموار در شمار بدعت‌های دینی قرار می‌گیرند یا نه؛ لایه دوم، اخلاقی و اجتماعی است و به نسبت این هزینه‌ها یا اولویت‌های اقتصادی و نیازهای فوری مردم نظر دارد. پاسخ دقیق، تنها با تفکیک این دو ساحت و پرهیز از دآوری‌های احساسی یا صفر و صدی ممکن است.

تعریف دقیق بدعت و جایگاه این اعمال
در فقه اسلامی، «بدعت» به معنای وارد کردن امری در دین است که نه نص خاص دارد و نه تحت عمومات و قواعد کلی دین قرار می‌گیرد.^[۱] بنابراین، هر امر جدید یا هر پدیده نوظهور، صرفاً به دلیل نداشتن سابقه تاریخی، بدعت محسوب نمی‌شود. بسیاری

از نهادهای و رفتارها و عادات ما در زندگی، در صدر اسلام به این شکل وجود نداشتند؛ اما چون دلیل عمومات دینی قرار می‌گیرند، بدعت به شمار نمی‌آیند.
ساخت حرم، ضریح و گنبد نیز از همین سنخ است. این اعمال، نوعی ابزار مودت نسبت به اولیای الهی و تکریم آنها است و قرآن کریم محبت به نزدیکان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را بصراحت مزد رسالت معرفی می‌کند.^[۲]
بسیار از نمادهای اجتماعی و تاریخی این مودت، بزرگداشت قبور و حرم آنان است. همچنین، قرآن تعظیم شاعران الهی را توصیه کرده و آن را نشانه تقوا قلبی می‌داند.^[۳] و روشی است که زیارت حرم اهل‌بیت نقش بسزایی در تعظیم شاعران الهی دارد. از این‌رو، اصل این کار تحت عمومات دینی قرار می‌گیرد و از دایره بدعت خارج است.

از نهادهای و رفتارها و عادات ما در زندگی، در صدر اسلام به این شکل وجود نداشتند؛ اما چون دلیل عمومات دینی قرار می‌گیرند، بدعت به شمار نمی‌آیند.
ساخت حرم، ضریح و گنبد نیز از همین سنخ است. این اعمال، نوعی ابزار مودت نسبت به اولیای الهی و تکریم آنها است و قرآن کریم محبت به نزدیکان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را بصراحت مزد رسالت معرفی می‌کند.^[۲]
بسیار از نمادهای اجتماعی و تاریخی این مودت، بزرگداشت قبور و حرم آنان است. همچنین، قرآن تعظیم شاعران الهی را توصیه کرده و آن را نشانه تقوا قلبی می‌داند.^[۳] و روشی است که زیارت حرم اهل‌بیت نقش بسزایی در تعظیم شاعران الهی دارد. از این‌رو، اصل این کار تحت عمومات دینی قرار می‌گیرد و از دایره بدعت خارج است.

انسان در زندگی خویش با صحنه‌ها و اموری مواجه می‌شود که شگفتی وی را برمی‌انگیزد؛ زیرا انتظار آن را ندارد، اما ناگهان با آن مواجه می‌شود. گاه این صحنه‌های شگفت انگیز موجب سرور می‌شود و گاه دیگر باعث حزن و غم می‌گردد.
اصولاً علت اینکه لطایف دیداری یا حسنیاری موجب خنده می‌شود، به سبب همین عنصر «غافلگیری» است که انسان با چیزی مواجه می‌شود که اصلاً انتظارش را نداشته است.

به سخن دیگر، تعجب و شگفتی، ناشی از غافلگیری و نیز حیرت ناگهانی است که به انسان دست می‌دهد. بنابراین در تعریف تعجب و شگفتی باید گفت: حالتی است که بر اثر ناگاهی از علت شیء و غافلگیری ناگهانی برای انسان پیش می‌آید و موجب شادی یا حزن می‌شود.

واکنش‌های شگفته در گزارش‌های قرآنی

بر اساس گزارش‌های قرآنی، انسان‌ها به هنگام مواجه شدن با عوامل تعجب و شگفتی، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد که آثار آن در ظاهر و باطن از چهره و قلب بروز می‌کند و با کلام و رفتارهایی غیر متعادل و شگفته‌ها چون خنده حتی خنده‌های شدید، بر خاستن ناگهانی از جا، ایجاد اسوائی چون «ووه» یا به کارگیری کلمات و ادات تعجب از جمله «سبحانک» و مانند آنها واکنش نشان می‌دهند.

خدا در قرآن فرمان می‌دهد که مسلمان موظف است تا در برابر بهتان‌های عظیم و شگفته‌ها که در مسائل جنسی به مسلمانا زده می‌شود، شگفتی خویش را با «سبحانک» بیان کند؛ زیرا این واکنش کلامی ضمن بیان شگفتی از موضوع، برائت خود و مسلمان را از این امور اعلان می‌کند و این‌گونه از پذیرش آن خودداری می‌کند؛ زیرا از نظر قرآن، مسلمانا چیزی جز عدالت‌ورزی، قسط‌گرایی، پاکدامنی، رفتارهای مبتنی بر اخلاق فطری، حیا، عفت، صداقت، امانت و مانند آنها نیست؛ بنابراین، کسی که شهادتین را می‌گوید متعهد به این امور است و باید حسن ظن داشته باشد که چنین رفتاری از مسلمان سر می‌زند و هیچ‌گونه سوء ظن نسبت به مسلمان و مسلمانا و نداشته باشد و اصل را برائت و پاکی بدارد و اصالت صحت رفتار را بر او جاری سازد و بگوید که هر گونه رفتار او در چارچوب دین و قوانین آن است.

بنابراین، وقتی کسی در مسئله جنسی به مسلمانا نسبتی را می‌دهد، شونده با «جهت» با آن مواجه می‌شود و مبهوت این کلام می‌گردد و آن را باور نمی‌کند و در واکنش کلامی می‌گوید: سبحان الله! یعنی عجب من که از چنین چیزی میهوت شده‌ام و آن را بهتان عظیم می‌دانم و نمی‌پذیرم.(نور، آیه ۱۶)

اصولاً بهتشان را به سبب همین امر شگفته‌ها و تعجب‌برانگیز، بدین نام تعبیر کرده‌اند؛ زیرا انتظار چنین چیزی درباره شخص نیست، اما بدان مضم می‌شود و شونده را مبهوت می‌کند.(همان) بنابراین، هر چه موردی که در قرآن از آن به «بهتان» یاد می‌شود، از مصادیق سخنان جنسی و غیر جنسی نسبت به بی‌گناهی است که اصولاً شگفته‌ها و دور از انتظار است.(همان؛ نساء، آیات ۲۰ و ۱۱۲ و ۱۵۶؛ احزاب، آیه ۵۸)

بر اساس گزارش قرآن، در مناظره میان حضرت ابراهیم(ع) و طاغوت زمامش نمرود، حضرت سخنی می‌گوید که راه استدلال او را می‌بندد، به طوری که شگفت‌زده شده و مبهوت از سخن گفتن باز می‌ماند؛ زیرا انتظار چنین پاسخ متفن و برهانی را نداشتند که او را وارد به سکوت کند. از همین رو خدا می‌فرماید:فیهت الیه گفتی؛ پس آن کسی که کافر بود، میهوت شد.(بقره، آیه ۲۵۸)

وقتی انسان چیزی را می‌بیند که با دانش و تجربیات قبلی او سازگار نیست، دچار تعجب می‌شود. این تعجب می‌تواند مثبت (مانند دیدن یک پدیده طبیعی زیبا) یا منفی (مانند مواجهه با یک اتفاق ناگوار) باشد. در هر صورت این تعجب نشان‌دهنده محدودیت‌های شناخت و درک انسان است.

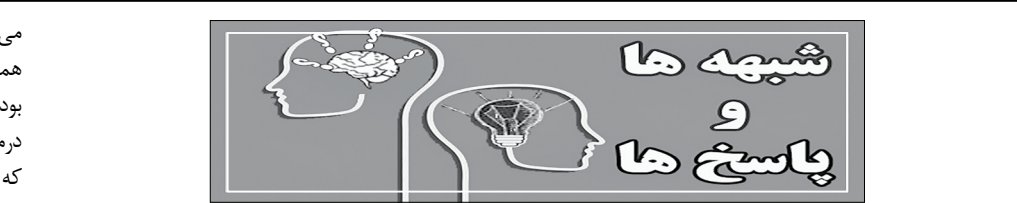
شگفتی و شگفته‌ها در قرآن



البته از نظر قرآن، مرگ ناگهانی برای کافران که انتظار مرگ را ندارند، عامل مبهوتی آنان است و با شگفتی یا آن مواجه می‌شوند در حالی که آتش به چهره‌شان می‌افتد و نمی‌توانند آن را از خویش دور سازند.(انبیاء، آیات ۳۱ و ۴۰) بر اساس گزارش‌های قرآنی، بهت و تعجب ابلیس از انتخاب حضرت آدم(ع) در مقام خلافت الهی به سبب آن است که خود را برتر از آدم(ع) از جنس آتش می‌دانست؛ این رو وقتی با انتخابی دور از انتظار مواجه می‌شود، شگفته‌ها با آن مواجه شده و با اعتراض از سجده اطاعت سرباز می‌زند.(اسراء، آیه ۶۱)

از جمله شگفته‌ها می‌توان به شگفتی حضرت ابراهیم(ع) در پیری و کهنسالی به بشارت فرزند(حجر، آیات ۵۴ تا ۵۶)، شگفتی آن حضرت(ع) از لجابت مردم بر شرک به رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن(انعام، آیه ۸۰)، شگفتی آن حضرت(ع) از ترس مردم نسبت به معبودان باطل و عدم ترس از خدای یکتا (انعام، بابت ۸۰ و ۸۱) و مانند آنها اشاره کرد. همچنین از شگفته‌ها می‌توان به تعجب حضرت موسی(ع) از اعمال سه‌گانه سوراخ کردن کشتی، کشتن نوحوان و بازسازی پی‌مزد و مواجه دیوار فروریخته از سوسوی خضر(ع) اشاره کرد.(کهف، آیات ۶۱ تا ۷۶) همچنین شگفتی موسی از گرایش مردم به بت‌پرستی قوم خویش پس از نجات به دست خدا و عبور سالم و امن از دریا اشاره کرد که خود نوعی کفر و تکرار آشکار با دیدن معجزات بسیار است.(اعراف، آیات ۱۳۸ تا ۱۴۰) حضرت زکریا و یسارث بشارت امکان پسر دار همسر نازایش را در پیری می‌شنود، شگفته‌ها واکنش نشان می‌دهد و خواهان نشانه می‌شود.(آل عمران، آیات ۳۹ و ۴۰؛ مریم، آیات ۷ و ۸) و همچنین ایشان هنگامی که با رزق خاص در نزد حضرت مریم(س) مواجه می‌شود، با شگفتی واکنش می‌دهد و آن منشا آن می‌برسند، در حالی که این رزق‌ها فرزندی عیسی(ع) و عزیز برای خدا(توبه، آیه ۳۰)، وضعیت خوب و رفاهی منافقان(توبه، آیات ۵۵ و ۸۵)، کج‌روی منافقان از اسلام(منافقون، آیه ۴)، واکنش خشک منافقان در برابر آیات الهی(همان) و مانند آنها اشاره کرد.

البته از نظر قرآن، بسیاری از مردم نسبت به اموری شگفت‌زده می‌شوند که انتظارش را نداشته‌اند؛ چنان‌که زنده شدن ماهی نمک زده خشکیده و حرکت در آب برای مسافر موسی(کهف، آیه ۶۳)، سخن گفتن نوزاد در گهواره(مریم، آیات ۲۷ تا ۲۹)، تعجب مجرمان از جامعیت و قدرت نامه اعمال در قیامت(کهف، آیه ۴۹)، تعجب از فرونی مؤمنان و رشد اعجاب‌انگیز آنان همچون جواحه گیاه‌فتح، آیه ۲۹)، خارق عادت بودن آیات قرآن(نجم، آیه ۵۹)، خارق عادت بودن مطالب و موضوعات و معارف قرآنی(جن، آیه ۱)، بشسر بودن پیامبران از جمله همسر داشتن و خوردن و زندگی کردن همانند دیگران(یونس، آیه ۲؛ ص، آیه ۴؛ ق، آیه ۴؛ فرقان، آیه ۷)، معاد و زندگی آیت ۲۹ و ۳۰)



ساخت وطلاکاری گنبد وبارگاه



نماین نیازهای عمومی و فرهنگی را نادیده گرفت. به‌عنوان مثال، سیر توان برای کاهش هزینه‌ها و اختصاص منابع صرفاً به معیشت، حمایت از درمان‌های صعب‌العلاج را قطع کرد، یا جلوی ساخت و توسعه ورزشگاه، سینما و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی را گرفت و نیز نمی‌توان هزینه‌های معقول برای حفظ میراث فرهنگی و حرم‌ها را حذف کرد. چنین تصمیماتی نه تنها نادانلانه است، بلکه موجب تضاد میان نیازهای مختلف جامعه می‌شود. راهکار منطقی، مدیریت هوشمندانه و بهینه منابع موجود است؛ یعنی اصلاح هزینه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های موجود برای خدمت به نیازهای متنوع. برای نمونه، ورزشگاه‌ها و سینماهای می‌توانند میزبان مسابقات، نمایش‌ها و برنامه‌های عام‌المنفعه باشند، بخشی از درآمد گیشه به نیازمندان اختصاص یابد و فیلم‌های آموزشی و

اث‌گذار تولید شود. به همین ترتیب، هزینه‌های معقول برای حفظ و زیباسازی حرم‌ها می‌تواند هم ارزش فرهنگی و معنوی برآورد و هم پاسخگوی نیازهای اجتماعی و معنوی مردم باشد. چنین نگرشی تضمین می‌کند که همه نیازهای جامعه به شکل متوازن و متصفانه تأمین شود.

توجه به کارکردهای اجتماعی و فرهنگی حرم‌ها

در ایران مورد که پیامبران و اولیای الهی شگفت‌زده می‌شوند، شگفتی و تعجب در سبب همین امر شگفته‌ها و دور از انتظار است. (همان؛ نساء، آیات ۲۰ و ۱۱۲ و ۱۵۶؛ احزاب، آیه ۵۸)
بر اساس گزارش قرآن، در مناظره میان حضرت ابراهیم(ع) و طاغوت زمامش نمرود، حضرت سخنی می‌گوید که راه استدلال او را می‌بندد، به طوری که شگفت‌زده شده و مبهوت از سخن گفتن باز می‌ماند؛ زیرا انتظار چنین پاسخ متفن و برهانی را نداشتند که او را وارد به سکوت کند. از همین رو خدا می‌فرماید:فیهت الیه گفتی؛ پس آن کسی که کافر بود، میهوت شد.(بقره، آیه ۲۵۸)
بر اساس گزارش‌های قرآنی، مرگ ناگهانی برای کافران که انتظار مرگ را ندارند، عامل مبهوتی آنان است و با شگفتی یا آن مواجه می‌شوند در حالی که آتش به چهره‌شان می‌افتد و نمی‌توانند آن را از خویش دور سازند.(انبیاء، آیات ۳۱ و ۴۰) بر اساس گزارش‌های قرآنی، بهت و تعجب ابلیس از انتخاب حضرت آدم(ع) در مقام خلافت الهی به سبب آن است که خود را برتر از آدم(ع) از جنس آتش می‌دانست؛ این رو وقتی با انتخابی دور از انتظار مواجه می‌شود، شگفته‌ها با آن مواجه شده و با اعتراض از سجده اطاعت سرباز می‌زند.(اسراء، آیه ۶۱)
از جمله شگفته‌ها می‌توان به شگفتی حضرت ابراهیم(ع) در پیری و کهنسالی به بشارت فرزند(حجر، آیات ۵۴ تا ۵۶)، شگفتی آن حضرت(ع) از لجابت مردم بر شرک به رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن(انعام، آیه ۸۰)، شگفتی آن حضرت(ع) از ترس مردم نسبت به معبودان باطل و عدم ترس از خدای یکتا (انعام، بابت ۸۰ و ۸۱) و مانند آنها اشاره کرد. همچنین از شگفته‌ها می‌توان به تعجب حضرت موسی(ع) از اعمال سه‌گانه سوراخ کردن کشتی، کشتن نوحوان و بازسازی پی‌مزد و مواجه دیوار فروریخته از سوسوی خضر(ع) اشاره کرد.(کهف، آیات ۶۱ تا ۷۶) همچنین شگفتی موسی از گرایش مردم به بت‌پرستی قوم خویش پس از نجات به دست خدا و عبور سالم و امن از دریا اشاره کرد که خود نوعی کفر و تکرار آشکار با دیدن معجزات بسیار است.(اعراف، آیات ۱۳۸ تا ۱۴۰) حضرت زکریا و یسارث بشارت امکان پسر دار همسر نازایش را در پیری می‌شنود، شگفته‌ها واکنش نشان می‌دهد و خواهان نشانه می‌شود.(آل عمران، آیات ۳۹ و ۴۰؛ مریم، آیات ۷ و ۸) و همچنین ایشان هنگامی که با رزق خاص در نزد حضرت مریم(س) مواجه می‌شود، با شگفتی واکنش می‌دهد و آن منشا آن می‌برسند، در حالی که این رزق‌ها فرزندی عیسی(ع) و عزیز برای خدا(توبه، آیه ۳۰)، وضعیت خوب و رفاهی منافقان(توبه، آیات ۵۵ و ۸۵)، کج‌روی منافقان از اسلام(منافقون، آیه ۴)، واکنش خشک منافقان در برابر آیات الهی(همان) و مانند آنها اشاره کرد.
البته از نظر قرآن، بسیاری از مردم نسبت به اموری شگفت‌زده می‌شوند که انتظارش را نداشته‌اند؛ چنان‌که زنده شدن ماهی نمک زده خشکیده و حرکت در آب برای مسافر موسی(کهف، آیه ۶۳)، سخن گفتن نوزاد در گهواره(مریم، آیات ۲۷ تا ۲۹)، تعجب مجرمان از جامعیت و قدرت نامه اعمال در قیامت(کهف، آیه ۴۹)، تعجب از فرونی مؤمنان و رشد اعجاب‌انگیز آنان همچون جواحه گیاه‌فتح، آیه ۲۹)، خارق عادت بودن آیات قرآن(نجم، آیه ۵۹)، خارق عادت بودن مطالب و موضوعات و معارف قرآنی(جن، آیه ۱)، بشسر بودن پیامبران از جمله همسر داشتن و خوردن و زندگی کردن همانند دیگران(یونس، آیه ۲؛ ص، آیه ۴؛ ق، آیه ۴؛ فرقان، آیه ۷)، معاد و زندگی آیت ۲۹ و ۳۰)

از جمله شگفته‌ها می‌توان به شگفتی حضرت ابراهیم(ع) در پیری و کهنسالی به بشارت فرزند، شگفتی آن حضرت(ع) از لجابت مردم بر شرک به رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن، شگفتی آن حضرت(ع) از ترس مردم نسبت به معبودان باطل و عدم ترس از خدای یکتا و مانند آنها اشاره کرد.

به هر حال، خداوند متعال از نظر اعتقادی، موجودی فراتر از درک و تصور انسان است و تعجب به معنای انفعال و دگرگونی درونی که برای انسان اتفاق می‌افتد، برای خداوند متعال قابل تصور نیست. در واقع، خداوند از اعمال و رفتار بندگانش تعجب نمی‌کند؛ زیرا او از همه چیز آگاه و داناست. در قرآن کریم و روایات اسلامی، گاهی از تعبیر «تعجب خداوند» استفاده می‌شود، اما این تعبیر به معنای واقعی کلمه و به مفهوم انسانی نیست. این تعبیر بیشتر برای بیان اهمیت و عظمت موضوع مورد نظر یا برای بیان تأثیرگذاری اعمال بندگان بر خداوند استفاده می‌شوند.

به‌ عنوان مثال، در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «لَئِنَّ اللَّهَ يُعْجِبُ مِنْ سَائِلٍ يُسْأَلُ غَيْرَ الْجَنَّةِ، وَمِنْ مُعْطٍ يُعْطَى لِغَيْرِ اللَّهِ، وَمِنْ مُتَعَوِّذٍ يُتَعَوَّذُ مِنْ غَيْرِ الْآثَرِ؛ خداوند از کسی که از او غیر از بهشت را می‌خواهد، از کسی که برای غیر خدا خطا می‌کند و از کسی که از غیر آتش به او پناه می‌برد، تعجب می‌کند.» (احسن الحدیث، ص ۱۵)
این حدیث به این معنا نیست که خداوند واقعاً متعجب می‌شود، بلکه منظور این است که این اعمال و خواسته‌ها

باید توجه داشت که شگفتی می‌تواند برخاسته از جهالت باشد که بسیاری از شگفتی‌های انسان این‌گونه است؛ اما شگفتی‌های الهی یا پیامبران و اولیای الهی برخاسته از جهالت ایشان نیست؛ بلکه از آن روست که انتظار نیست که انسان در برابر حق قرار گیرد و بر خلاف آن برود و گرایش به باطل داشته باشد؛ بنابراین، شگفتی‌های خدا و پیامبران و اولیای الهی از آن جهت است که به مردم بفهمانند که بیراهه می‌روند و به خود زیان می‌رسانند.

تعجب وامی‌دارند، اما این تعجب به معنای جهل یا ناتوانی خداوند نیست، بلکه به عظمت و بی‌نیاهی او مربوط می‌شود. وقتی انسان چیزی را می‌بیند که با دانش و تجربیات قبلی او سازگار نیست، دچار تعجب می‌شود. این تعجب می‌تواند مثبت (مانند دیدن یک پدیده طبیعی زیبا) یا منفی (مانند مواجهه با یک اتفاق ناگوار) باشد.

در هر صورت، این تعجب نشان‌دهنده محدودیت‌های شناخت و درک انسان است، اما معنا و مفهوم شگفتی و تعجب خدا غیر از تعجب و شگفتی انسان است؛ زیرا در مورد خداوند، شگفتی به معنای صفات و اعمالی است که فراتر از درک و تصور ما هستند. برای مثال، در قرآن آمده است: «وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ»؛ و همانا خدا بر هر چیزی تواناست.» این آیه نشان می‌دهد که قدرت خداوند نامحدود است و اعمال او گاهی فراتر از فهم ما قرار دارد.

به همین دلیل، وقتی با این اعمال روبه‌رو می‌شویم، ممکن است دچار تعجب شویم، اما این تعجب به معنای ناتوانی یا جهل خداوند نیست، بلکه به عظمت و بی‌نیاهی او اشاره دارد. لذا آفرینش جهان، زنده کردن مردگان، یا نزول قرآن، نمونه‌هایی از اعمالی هستند که ممکن است انسان را دچار شگفتی کنند، اما این شگفتی به معنای محدودیت یا جهل خداوند نیست، بلکه به عظمت و قدرت او اشاره دارد.

در این اساس مغفرت خدا به معنی نعمت بخشی و گذشت و غضب خدا به معنی مجازات و عذاب کردن است، نه تغییر حالت نفسانی که در مورد انسان‌ها صدق می‌کند.

از ائسن رو اسام صادق(ع) فرمود: «فرضاً ثوابه و سطحه عقابم به هر شیءی بپردازم هیچ‌تجاه و بمنتقله من حال ای حلال…؛ رضای خدا، ثواب او و خشم خدا انتقام اوست، بی‌آنکه چیزی در خدا تأثیر کرده و او را از حالی به‌هالی درآورد.» (ملا حسین کاشفی، جواهر التفسیر، محل نشر: تهران ۱۳۷۹، ص ۸۲۲)

سی سال) دچار ترک‌خوردگی، نفوذ رطوبت و ریزش می‌شوند و مرمت‌های مکرر و پرهزینه را تحمیل می‌کنند. در مقابل، طلاکاری ورق‌های مسی با لایه‌ای نازک از طلا، به‌سبب انعطاف‌پذیری مس و پایداری شیمیایی بالا، طولانی‌تر دوام می‌آورد. نکته‌ای که می‌تواند قرن‌ها دوام داشته باشد، از نظر اقتصادی نیز، با وجود هزینه اولیه بالاتر، طلاکاری در اقق بلندمدت یکی از گزینه‌های مقرون‌به‌صرفه محسوب می‌شود؛ زیرا هزینه‌های آبناشت تعمیرات گونا به‌دلیل کاهش تعمیرات در آینده از این‌رو، طلاکاری در صورت رعایت ضوابط شرعی و مدیریتی – نه نشانه تجمل‌گرایی، بلکه تلقیفی از علاقتین فنی، صرفه‌جویی پایدار و پاسداشت میراث دینی و تاریخی است.

نتیجه:

در چم‌پیندی آنچه گذشت، روشن می‌شود که طلاکاری گنبد بدعت نیست. از منظر فقهی، بدعت به امری گفته می‌شود که نه نص خاص دارد و نه ذیل عمومات دینی است؛ ساخت حرم و طلاکاری گنبد، به دلیل ابراز محبت به اهل‌بیت و تعظیم شاعران الهی، در دایره دین قرار می‌گیرد و بدعت محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، هر اقدام فرهنگی یا اجتماعی که منجر به بازسازی، پایدار باشد، اموال وقفی و نذری باید مطابق دیت وافت مصرف شوند و اموال عمومی باید با توجه به نیازهای متنوع جامعه، از جمله درمان، آموزش و معیشت، مدیریت شوند. حرم‌ها، فراتر از مکان زیارت، نقش فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارند و منابع مردمی این امکان توسعه خدمات عام‌المنفعه را فراهم می‌آورد. جلوه‌های معماری و شکوه بصری، علاوه‌بر جذابیت معنوی، توجه مردم و ناظران را جلب و زمینه مشارکت در امور خیر را تقویت می‌کند. طلاکاری گنبد‌ها نیز، علاوه‌بر زیبایی، یک راهکار فنی و پایدار برای حفاظت بلندمدت بنا است که در افق اقتصادی، صرفه‌جویی و بهرهوری را تضمین می‌کند. در نهایت، نگاه جامع و متوازن به این مسائل، هم ارزش‌های دینی و فرهنگی را پاس می‌دارد و هم نیازهای متنوع اجتماعی و معنوی جامعه را تأمین می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱) به تعبیر علامه مجلسی، «بِإِیْنَعِ قِی الْقَرْعِ مَا حَذَّیْ بَعْدَ الرَّئُولِ أَمَّا أَهَ الدِّینِ) وَ لَمْ یَكُنْ فِیْهِ نَعْلٌ عَیَّی الْخَصَّوْصِ وَ لَا یُكُونُ دَاخِلًا فِی الْبَیْتِ الْقُدُّوسَاتِ(مجلسی، محمدباقر، ج۱۲، الآل و البیوت، مؤسسه الباقه، ۱۳۹۰، ص ۱۴، ص ۴۰۲) یعنی: بدعت، عبارت است از آوردن امری بی‌سابقه‌ای در دین که هیچ نص خاص و هیچ عموماتی آن را پوشش نمی‌دهد. به بیان دیگر، آنچه بدعت است، نه دلیل خاص دارد و نه تحت عمومات دینی قرار می‌گیرد. ۲) تفسیر، آیه ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲